

## سیره اخلاقی پیامبر اکرم (ص)

محمد تقی متانت پور<sup>۱</sup>

### چکیده

قرآن کریم، هدف بعثت را، تزکیه و تهذیب روح، و ترویج و نهادینه سازی فضائل انسانی در جان آدمی معرفی کرده است و در آیات متعددی تزکیه و پرورش را بر تعلیم و آموزش مقدم شمرده است. از سوی دیگر خداوند پیامبر اعظم (ص) را در میان انبیای الهی به صفت خلق نیکو و عظیم ستوده است و پیامبر اکرم (ص) اول شخصیت معنوی و اخلاقی جهان هستی است که مدارج و مراحل عالی انسانیت را پیموده و بهترین الگو برای ملکات فاضله نفسانی است. و پیامبر عظیم الشان اسلام خود نیز به صراحت هدف بعثت مبارکش را تکمیل و تمیم اخلاق و فضائل انسانی اعلام نموده و به پیروانش این گونه سفارش کرد که «اخلاق پسندیده برای شما لازم است و خداوند برای همین اصل مرا مبعوث فرموده است». در مقاله حاضر، سعی شده است گوشه‌ای از سیره و شخصیت اخلاقی پیامبر (ص) را مورد بررسی قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: سیره، سیره اخلاقی، پیامبر (ص)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

---

<sup>۱</sup>. کارشناس ارشد اندیشه سیاسی در اسلام

## مقدمه

موفقیت در زندگی بستگی به میزان بهره گیری از الگوی مناسب دارد. تلاش بدون سرمشق درست، پیامد درستی ندارد. از جمله چگونگی اخلاق و رفتار انسان‌ها در زندگی فردی، خانوادگی، و اجتماعی است که باید در این باره، از الگوی نیکو بهره جویند. هرچه علم و صنعت پیش می‌رود نیاز بشر به اخلاق افزایش می‌یابد و لازم است به موازات آن دستورات اخلاقی پیامبران کاملاً مورد عمل و نظر قرار گیرد اگر اخلاق که بخشی از مکتب پیامبران خداست در جامعه حکم فرما نباشد علم و صنعت نمی‌تواند سعادت و آرامش بشر را تضمین کند بلکه استعمارگران علم و صنعت را به نفع خود استخدام نموده و میلیون‌ها نفر را بی‌خانمان می‌کنند و حقوق ملت‌های ضعیف را پایمال می‌سازند و آنان را به خاک و خون می‌کشند تنها عاملی که می‌تواند روح سرکش انسان و غرائز طوفانی و عصیانگر او را مهار کند و علم و صنعت را در راه آرامش عمومی و زندگی مسالمت آمیز به کاراندازد اخلاق واقعی است که از ایمان حقیقی به خداوند متعال سرچشمه می‌گیرد. تعلیمات اخلاقی پیامبران و رفتار آنها بهترین وسیله ایست که می‌تواند بشر را به زندگی ایده آل برساند. از این رو، پرداختن به سیره عملی و روش‌های اخلاقی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، که جنبه اسوه دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به دلیل همین اخلاق سترگ و مورد ستایش قرآن، امت اسلام وظیفه دارند از خوی و خصلت‌های فردی و اجتماعی آن حضرت پیروی نموده، و آن پیامبر رحمت و صاحب خلق عظیم را «اسوه» خود قرار دهند. پیروی از سیره اخلاقی یک الگو، نیازمند آشنایی با ابعاد روش‌های رفتاری اوست. خوشبختانه سیره عملی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در کتب روایی و تاریخی، به صورت مجموعه‌های فراوان ثبت شده، هرچند ویژگی‌های اخلاقی پیامبر قابل شمارش نیست؛ چراکه قرآن اخلاق ایشان را عظیم شمرده و به نقش اخلاق پیامبر (ص) در پیشرفت اسلام و جذب دل‌ها اشاره نموده است.

## قرآن و شاخصه‌های اخلاق نبوی

پروردگار متعال در سوره مبارکه قلم برای اثبات جنبه‌های مختلف شخصیت رسول خود و از جمله شخصیت اخلاقی آن حضرت به مقدس‌ترین پدیدارها یعنی قلم- وسیله انتقال دانش و اندیشه و ابزار تکامل بخش فکر و تمدن بشری- و نیز به آن چه از نوک قلم جاری شده است و بر صفحات تاریخ، فرهنگ و تمدن بشری

نقش بسته سوگند یاد کرده است و از میان گزینه‌های بسیار، در جهت نمایاندن تربیت و شخصیت اخلاقی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و صف «عظیم» را براننده و مناسب خلق و خوی وی دیده و او را به این وصف ستایش کرده است

«و آنک لعلی خلق عظیم» (قلم، ۴) و تو اخلاق عظیم و برجسته داری

شیخ طوسی از همسر پیامبر صلی اله علیه و آله و سلم روایت می‌کند: «خلق نبی اکرم همان بود که در «آیه اول سوره مومنون آمده است [ خشوع در نماز، روی گردانی از لغو بیهوده، پرداخت زکات، حفظ عفت و پاکدامنی، وفای به عهد و امانت و مواظبت بر نماز] شیخ پس از نقل روایت می‌افزاید:

کسی را که خداوند به خلق عظیم بستاید، بالاتر از آن، مدح و ستایشی نمی‌توان سراغ گرفت (شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ص ۷۵). روایتی دیگر از طریق عامه با این بیان نقل شده است که شخصی از همسر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره اخلاق آن حضرت پرسید، همسر پیامبر (ص) در پاسخ وی گفت. قرآن خواننده ای جواب داد: آری. گفت: خلق پیامبر همان قرآن بود» (النووی، ۱۴۰۷ ق، ۷۴۶). اهمیت تعبیر «خلق عظیم» وقتی آشکار می‌گردد که بدانیم خداوندی که اخلاق پیامبرش را بزرگ به حساب آورده و توصیف کرده، موجودی آن را حقیر و کم به شمار آورده است: «قل متاع الدنيا قليل...» (نساء، ۷۷) سرمایه زندگی دنیا ناچیز است، و البته درباره همین سرمایه ناچیز فرموده است: «و ان تعدو نعمت الله لا تحصوها» (ابراهیم / آیه ۳۴). بدرستی اگر انسان از شمارش نعمت‌های دنیوی - که نزد خدا حقیر است - ناتوان باشد پس چگونه بر ژرفای عظمت خلق نبوی راه خواهد یافت در حالی که خداوند آن را عظیم شمرده است و به تعبیر یکی از قرآن پژوهان «خداوند سبحان هیچ یک از پیامبران خود جز محمد (ص) را با این صفت [ دارنده خلق عظیم] ستایش نکرده است. و همواره در ادامه می‌نویسد در چکیده معنای آیه مبارکه همان است که رسول اعظم (ص) خود فرموده است (پروردگار من را پرورش داد و نیکوترم کرد) یعنی خداوند اخلاق پیامبر را متناسب با هدف خلقت وی قرار داد (همان).

### آموزه‌های اخلاقی در سیره پیامبر اکرم (ص)

پیامبر اکرم (ص) اسوه حسنه ای است که تمام صفات حمیده و فضایل اخلاقی در وجود مقدسش، بی کم و کاست جمع شده است، زیرا آن بزرگوار دست پرورده پروردگار و گل سر سبد جهان هستی و کامل‌ترین

انسان‌های روی زمین است که با آغاز رسالت جدید و کاملش، نشاطی روح افزا بر عالم هستی دمید و بهترین خصلت‌های پسندیده اخلاقی به انسان‌های غرق در جهالت و گمراهی عطاء کرد. آنچه در این بخش می‌خوانیم نمونه‌های از سیره اخلاقی نبی مکرم در خانه و خانواده و میان خویشان و در جمع مردم و روابط اجتماعی است، تا از این رهگذر و در پی آشنای بیشتر با این «مدل اخلاقی» رفتارمان نیز با اوصاف و سیره آن بزرگوار همسو و هماهنگ باشد. چرا که داده‌های حضرت رسول برای امتش تنها در بعد گفتار و فرمان نیست، بلکه سیره او نیز معیار و ملاک و میزان عمل است و به این سرمشق هم باید نیک توجه کنیم و آن را به شایستگی عمل کنیم.

## ۲-۱- ملاطفت و مهربانی

یکی از بارزترین ویژگی‌های اخلاقی حضرت رسول (ص)، برخورد محبت آمیز با دیگران بود. آن بزرگوار با داشتن این خصلت ستودنی توانست در طول عمر پر برکت خود که همراه با رنج‌ها و تلاش‌های فراوان بوده، دل‌های بسیاری از مردم را شیفته خود کند و به صراط مستقیم هدایت نماید. قرآن مجید در این زمینه می‌فرماید: (فبما رحمه من الله لنت لهم و لو كنت فضلاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک....) (آل عمران، ۱۵۹). «به موجب رحمتی که خداوند به تو عنایت کرده بود، برای آنان نرم شدی که اگر خشن و سنگدل بودی از اطراف تو پراکنده می‌شدند» ابزار محبت و مهرورزی آن حضرت نه تنها شامل دوستان و اهل ایمان می‌شد بلکه مخالفین آن بزرگوار از اخلاق خوب و شفقت آمیز آن رسول گرامی بهره مند بودند و این، سبب جذب آنان به سوی اسلام می‌گردید. در سال هشتم هجری که پیامبر گرامی اسلام با اقتدار و پیروزی کامل به شهر مکه وارد شدند و آن را از دست کفار و مشرکان خارج نمود، طرفداران جبهه باطل به ویژه کسانی که در مدت بیست سال گذشته، بدترین ستم‌ها، جسارت‌ها و دشمنی‌ها را در حق آن حضرت و یارانش کرده بودند، در هاله‌ای از رعب و وحشت گرفتار شدند و بعد از فتح مکه منتظر انتقام و عکس‌العمل متقابل پیامبر (ص) بودند، این نگرانی و اضطراب هنگامی به اوج خود رسید که اهل مکه از سعد بن عباده (پرچم دار پیامبر شنیدند که فریاد می‌زد «امروز روز جنگ و خون ریزی و اسارت است» (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۷ ق، ۲۷۲). هنگامی که این شعار به گوش مبارک رسول خدا (ص) رسید، دستور داد پرچم اسلام را از او گرفته و به دست حضرت علی (ع) بسپارند و سپس با سخنان آرام بخش و ملاطفت آمیز خود دشمنان دیرینه خویش را

آرامش داد... آن حضرت فرمود، «شما در مورد من چگونه فکر می‌کنید؟» مشرکان گفتند: ما جز نیکی و محبت از تو انتظاری نداریم، رسول خدا (ص) فرمود (من آنچه را برادرم یوسف (ع) در مورد برادران ستمگر خود انجام داد، همان می‌کنم و همانند او می‌گویم (لا تنزیب علیکم الیوم...)) (یوسف، ۹۲). امروز ملامت و سرزنش به شما نیست...

هنگامی که آن رهبر مهربان مردم هراسناک و نگران را آرام نمود، اضافه کرد که امروز روز نبرد و انتقام نیست، بلکه روز رحمت و محبت است و من از تمام جنایات و گناهان شما گذشتم آن گاه جمله معروفش را فرمود (اذهبوا فانتم الطلقاء) (مجلسی، ۱۴۰۴، ق، ۱۳۲). بدنبال زندگی‌تان بروید که همه شما آزاد هستید. تمامی آنان گویا دوباره متولد شدند، بنابراین نفس راحتی کشیدند و به غیر از افراد معدودی، همگی محبت و عشق رسول خدا (ص) در اعماق وجودشان نفوذ کرد و مسلمانان شدند.

## ۲-۲- روش امانت داری

پیامبر اکرم (ص) در راستی و حفظ امانت به قدری جدی و کوشا بود که به او «محمد امین» لقب داده بودند، به طوری که قبل از بعثت وقتی مشرکان او را می‌گفتند، می‌گفتن: «امین آمد» چنان که در ماجرای هجرت به مدینه، آن حضرت در سخت‌ترین و خطرناک‌ترین شرایط حضرت علی (ع) را به جای خود نصب کرد و شبانه از مکه خارج شد، اموری موجب شد که پیامبر (ص) حضرت علی (ع) را جانشین خود کند و پس از چند روز هجرت نماید. در رأس این امور، ادای امانت‌هایی بود که بعضی از مشرکان نزد پیامبر (ص) داشتند. ابن هشام در سیره خود می‌نویسد (حضرت علی (ع) سه شبانه روز در مکه ماند تا امانت‌های مردم مکه را که نزد پیامبر (ص) بود به صاحبانش برساند پس از این که امانت‌ها را رد کرد او نیز هجرت کرد (ابن هشام، ۱۴۰۹، ق، ۱۳۸). آن حضرت در مورد حفظ امانت و ادای آن فرمود (کسی که به امانت، خیانت کند و آن را به صاحبانش بر نگرداند، و با این حال بمیرد، بر دین اسلام نمرده است و خداوند را در حالی ملاقات می‌کند که نسبت به او خشمگین است (همان، ۱۷۱)).

حضرت خدیجه (ص) هنگامی که پیشنهاد ازدواج به آن حضرت می‌داد و شیفتگی خود را به آن وجود گرامی اعلام می‌نمود با تاکید بر امانت و صداقت آن بزرگوار چنین می‌گفت (انی قد رغبت فیک لقرابتک و سیطک فی قومک و امانتک و حسن خلقک و صدق حدیثک) (همان، ۲۰۱-۲۰۰). به خاطر خویشاوندی

است و بزرگواری است در میان قوم خودت و امانت داری و اخلاق نیک و راستگویی ات مایلم با تو ازدواج کنم...

### ۲-۳- تحمل و بردباری

صبوری و تحمل در برابر مشکلات، حرف‌ها، تهمت‌ها، دشمنی‌ها و کارشکنی‌ها، از ضروری‌ترین صفات لازم برای یک پیشوا است. پیامبر اکرم (ص) این ویژگی‌ها را در حد اعلاء داشت و بارها خداوند به آن حضرت توصیه به تحمل حرف‌ها و حدیث‌ها داشت (فاصبر علی ما یقولون) (طه، ۱۳۰). رسول خدا بر جفا و تندی و بی ادبی دیگران صبر می‌کرد. روزی یک عرب بادیه نشین سراغ پیامبر آمد و در برخورد، به شدت ردای آن حضرت را کشید به گونه ای که حاشیه ردا بر گردن رسول خدا خط انداخت و اثر گذاشت آنگاه به آن پیامبر رعفت خطاب کرد که: یا محمد! از آن اموال خدا که در اختیار توست، دستور بده به من به بدهند حضرت به او توجهی نکرد، لبخندی زد و دستور داد چیزی به او بدهند (نجفی، ۱۳۹۲ ق، ۱۷). بیان حضرت علی (ع) در این تحمل عظیم و صبوری چنین است (یصبر للغریب علی الجفوه فی منطقه و مسالته ...) بر جفا و تندی غریب، در گفتار و درخواستش صبر می‌کرد.

### ۲-۴- گذشت و پوزش پذیری

انسان‌های حقیر پیوسته در فکر انتقام جویی و مقابله به مثل اند، اما صاحبان روح‌های بلند و همت‌های عالی، گذشت و عفو را شیوه خود می‌سازند، رسول خدا (ص) با آن همه ستم و بدی که از قریش دیده بود همه آنان را در فتح مکه بخشید و کسانی از یهود و خیبر را که غذای مسموم برای حضرت فرستاده بودند و زنی یهودی که غذای زهر آگین برای حضرت فراهم آورده بود بخشود و از خطای آنان درگذشت. عادت پیامبر بود که بدی را با بدی پاسخ ندهد، بلکه کریمانه گذشت کند و می‌بخشود: (لا یجزی بالسیئه السیئه ولکن یغفر و یصفح) (ابن آشوب، ۱۹۵۶ م، ۱۴۷). امت خویش را بر همین اخلاق تربیت کرده بود و خصلت ستیزه جویی و انتقام را به روحیه عفو و صفح تبدیل ساخته بود. نمونه ای از این روحیه هم در «پوزش پذیری» جلوه می‌کرد و اگر کسی خطا و جفایی می‌کرد سپس عذر خواهی می‌کرد حضرت می‌پذیرفت (لا یجفو علی احد، یقبل معذره المعتذر الیه) (همان، ۱۴۶). به کسی جفا و تندی نمی‌کرد، هر کس هم از او معذرت خواهی می‌کرد می‌پذیرفت.

حتی برخوردارش با خدمتکار خود انس، کریمانه بود، نه ملامتگرانه، انس بن مالک می‌گوید: من نه سال همراه پیامبر و خادم او بودم، هرگز با یاد ندارم که یک بار به من گفته باشد: چرا چنین و چنان کردی؟ و هرگز چیزی را به من عیب نگرفت (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ۱۵۱).

## ۲-۵- کارگشایی

رفع نیاز از دیگران و کمک به حل مشکلاتشان از مسائل مهم در نظر پیامبر بود. چه در مسجد و چه در خانه، محضر او محل مراجعه دیگران برای نیازهایشان بود و حضرت در حد توان مساعدت می‌کرد و هر درخواستی را رد نمی‌کرد. حتی نسبت به ابوسفیان نیز با آن همه سابقه عداوت و بد رفتاری، این گونه رفتار می‌کرد. ابن عباس می‌گوید: مسمانان توجهی به ابوسفیان نمی‌کردند و با او همنشین نمی‌شدند روزی به پیامبر گفت: سه درخواست دارم. پیامبر فرمود: بگو... هر سه خواسته خود را مطرح کرد و پیامبر هم پذیرفت و انجام داد (همان، ۲۳۱). عمر نقل می‌کند: روزی مردی به حضور حضرت آمد و درخواستی داشت. پیامبر خدا (ص) فرمود: الان چیزی ندارم. به حساب من هر چه می‌خواهی بخر اگر چیزی به دستمان رسید. بدهی تو را می‌پردازیم. عمر گفت: یا رسول الله، وقتی توانایی نداری، خدا هم بر تو تکلیفی نهاده است پیامبر از این سخن خوشش نیامد. آن مرد گفت: انفاق کن و نترس، چون از خدا چیزی کم نمی‌شود و پیامبر از این سخن مسرور گشت (همان، ۲۳۲). به نقل از حضرت علی (ع) کسانی که با پیامبر کار داشتند و برای رفع حاجت در خانه خدمتش می‌رسیدند، بعضی یک حاجت داشتند بعضی دو حاجت و یعنی بیشتر. پیامبر اکرم (ص) اوقات خویش را صرف آنان می‌کرد و مشکلاتشان را برطرف می‌ساخت و وقت خود را به تناسب کار آنان تقسیم می‌کرد (طباطبائی، ۱۳۷۷، ۴۷). ایجاد روحیه همدردی و خدمت به دیگران، از تلاش‌های مهم حضرت بود و مومنان را همچون اعضای پیکر واحدی می‌دانست.

## ۲-۶- مودت و الفت آفرینی

از خصلت‌های والای رسول خدا (ص) ایجاد الفت و مودت بین مردم و زدودن کینه‌ها، کدورت‌ها و اختلافات بود. اگر آن حضرت را «پیامبر وحدت» به شمار آوریم، بیراهه نرفته‌ایم. صحنه‌های بسیاری در حیات پیامبر وجود دارد که شاهد این الفت آفرینی است. داستان تدبیر وحدت بخشی او در نصب حجر الاسود در جای خود و جلوگیری از خونریزی میان قبایل قریش یکی از آنهاست. آن حضرت از عیبجویی

دیگران در حضورش نسبت به افراد غایب، تاکید بر مزیت نداشتن عرب بر عجم و سفید بر سیاه. پذیرش یکسان دعوت فقیر و غنی و برده و آزاد از این نمونه‌ها است. حتی سخنان حضرت نیز مایه وحدت و الفت آفرینی بود. زبان هر کس با نوع سخنی که می‌گوید می‌تواند به نفاق و جدایی و اختلاف و نزاع بیفشاند و دوستی‌ها را به هم بزند، هم می‌تواند درگیری و مخاصمات و جدایی‌ها را از بین ببرد. امام حسن مجتبی از قول امیر المومنین (ع) این روش پیامبر را چنین توصیف می‌کند.

(کان رسول الله یخزن لسانه الا فیما یعینه، و یولفهم و لا یفرهم (و لا ینفرهم) و یکرّم کریم کل قوم و یولیه علیهم) (نجفی، ۱۳۹۲ ق، ۱۴). پیامبر خدا، زبان خود را از حرف زدن نگه می‌داشت مگر در جایی که برایش مفید بود و به او مربوط می‌شد مردم را الفت و وحدت می‌بخشید و آنان را متفرق و بیزار از هم نمی‌ساخت، بزرگ هر قوم و جمعی را احترام می‌کرد و همان شخص را سرپرست آنان قرار می‌داد روشن است که چنین رفتاری حاکی از مدیریت شایسته آن حضرت در حفظ اقوام و انسجام مجموعه‌هاست و ابقای موقعیت‌ها و ریاست‌های هر گروه در الفت بخشی میان آنان مؤثر است.

## ۷-۲ - عنایت به جوانان

پیامبر اکرم (ص) به لیاقت و کاردانی جوانان احترام می‌گذاشت و آنان را به کارهای مهم و سنگین می‌گماشت و معیار فرماندهی و مسئولیت در نظر او، ایمان، کاردانی و تقوا بود نه سن و سال. در آستانه رحلت، سپاهی را مأموریت داد که برای رفع دشمن به جبهه بروند «اسامه بن زید» را که جوانی هجده ساله بود به فرماندهی گماشت و از همه بزرگسالان خواست که تحت فرمان او بسیج شوند و به اردوگاه بروند. بیش از هجرت هم جوان لایق و با ایمانی همچون مصعب را به یثرب فرستاد تا مردم آنجا را به اسلام آشنا کند و به آنان قرآن بیاموزد. جعفر ابن ابی طالب را نیز به ریاست گروهی گماشت که به حبشه هجرت کردند با آنکه سن زیادی نداشت.

پیامبر توصیه می‌فرمودند با جوانان رفتار نیک داشته باشید چرا که آنان دل نازک‌اند و می‌فرمود: خداوند مرا به عنوان بشیر و نذیر فرستاد، جوانان پذیرفتند و با من هم پیمان شدند، ولی پیران مخالفت کردند. (طباطبائی، ۱۳۷۷، ۱۷۶).



## ۲-۸ - احترام به واردین و مراجعین

افزون بر مهمانوازی که خصلت حضرت بود، چه در خانه و چه در مسجد هر کس به حضور ایشان می‌رسیدند تا دیدار کنند، یا حاجتی و کاری داشتند مورد تکریم پیامبر قرار می‌گرفتند شیوه حضرت این طور بود که وقتی شخصی به محضرش وارد می‌شد زیرانداز خود را برای او می‌گستراند تا بنشیند و اگر نمی‌پذیرفت آنقدر اصرار می‌فرمود تا طرف قبول کند (و کان یوثر الداخل علیه بالوساده آلتی تحته، فان ابی ان یقبلها عزم علیه حتی یفعل) (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ۵۳). وقتی در یکی از دیدارهای مردمی، اتاق حضرت پر از جمعیت بود، جریر بن عبد وارد شد و داخل اتاقی جایی برای او نبود. بیرون از اتاق نشست. پیامبر چون نگاهش به او افتاد، عبای خود را از دوش خود برگرفت و پیچید و به سمت او فرستاد تا روی آن بنشیند، اما جریر هم ادب نشان داد و عبای پیامبر را بر صورت خود نهاد و بوسه بر آن زد. (مجلسی ۱۴۰۴، ۲۳۱). این شیوه تنها نسبت به آشنایان و افراد متشخص انجام نمی‌گرفت. بلکه همگانی بود و هر کس خدمت پیامبر (ص) می‌رسید مورد اکرام قرار می‌گرفت. اگر یک مراجعه کننده غریب و ناآشنا رفتار تندی داشت، به نحوی که اصحاب می‌خواستند با او تندی عمل کنند، حضرت نمی‌گذاشت و می‌فرمود: هر گاه حاجتمندی را دیدید که آمده و خواسته ای دارد، او را پذیرایی و تکریم کنید (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق، ۱۵).

## ۲-۹ - مراعات حال مردم

از جلوه‌های رحمت نبوی نسبت به امت دلسوزی و ترحم و مهربانی بود و مردم و ضعیفان را مراعات می‌کرد تا به آنان سخت نگذرد. سخنرانی طولانی و خطبه نماز جمعه مفصل و طول دادن نماز، معمولاً برای افراد ضعیف خسته کننده است. پیامبر خدا حال آنان را مراعات می‌کرد. به فرمود حضرت علی (ع): پیامبر خدا در عین حال که نمازش کامل بود، از همه کوتاه‌تر می‌خواند و خطبه‌هایش کوتاه‌ترین خطبه‌ها بود و حرف‌های غیر لازم کمتر می‌گفت (همان، ۴۵).

البته این در نماز واجب بود که به جماعت خوانده می‌شد و گرنه نمازهای مستحبی را در خلوت خویش بسیار هم طولانی می‌خواند و آنقدر به عبادت می‌ایستاد که پاهای مبارکش ورم می‌کرد. پیامبر گاهی در نماز جمعه یا جماعت صدای گریه کودک می‌شنید نماز را سریع تر می‌خواند و تمام می‌کرد تا مادر آن کودک به فرزندش برسد. ایشان می‌فرمود هر کس رحم نکند مورد ترحم قرار نمی‌گیرد (همان، ۲۴۸). هر گاه همراه گروهی غذا

میل می نمودند، اولین کسی بود که دست به سوی غذا می برد و آخرین نفری بود که دست از طعام برمی داشت تا دیگران بخورند. چون اگر چنین نمی کرد شاید کسی از روی حجب و حیا با آنکه سیر نشده بود دست از غذا می کشید و یا در آغاز طعام با آنکه بسیار گرسنه و بی تاب، بود به لحاظ رعایت ادب، آغاز به خوردن نمی کرد، این رفتار سبب می شد کسی گرسنه از سر سفره برنخیزد گاهی آن حضرت سواره بود اجازه نمی داد. کسی یا کسانی پیاده همراه او بیاید. یا او را سوار بر مرکب خویش می کرد یا اگر طرف حاضر نبود سوار شود می فرمود: پس جلوتر برو در فلان جا منتظر باش تا برسم (مجلسی، ۱۴۰۴، ق، ۲۳۶).

## ۲-۱۰- مردمی زیستن

رسول خدا با آنکه اولین شخصیت جهان آفرینش و افضل انبیا و دارای آن موقعیت دینی، علمی، اجتماعی و سیاسی و محبوبیت بود، اما رفتار و زندگیش کاملاً مردی و با مردم و در کنار مردم و همدرد و همدستان با مردم بود و تواضع و فروتنی حضرت بی نظیر بود. اینکه قرآن درباره او و از زبان او می گوید (انا بشر مثلكم) (کهف، ۱۱۰). واقعاً خود را مثل دیگران می دانست و برای خود امتیاز خاصی قائل نبود در میان مردم حلقه وار می نشست. وارد مجلسی می شد هر جا که بود می نشست، روی زمین غذا می خورد، مثل بندگان روی زمین می نشست، به تشییع جنازه و عیادت مریض می رفت، با فقیران و بینوایان همنشین و هم غذا می شد (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۲۸). ابوذر غفاری نقل می کند: میان اصحاب می نشست گاهی فردی که غریب و ناشناس بود می آمد و آن حضرت را به شخص نمی شناخت، می پرسید که پیامبر کدام یک از شماست؟ این بود که از آن حضرت خواستیم اجازه بدهد جایگاهی برایش بسازیم که آنجا بنشیند تا افراد غریبه او را بشناسند، موافقت فرمود، دکه و سکو مانندی از گل درست کردیم، پیامبر روی آن می نشست، ما هم در دو طرف او می نشستیم آیا مردی تر از این می توان یافت (نجفی، ۱۳۹۲، ق، ۱۶).

در یکی از سفرها برای تهیه غذا، هر کس به کار پرداخت، پیامبر هم به جمع آوری هیزم مشغول شد و هر چه اصحاب می خواستند او را از این کار بازدارند نپذیرفت با آنان در آماده سازی غذا مشارکت داشت. در جنگ خندق هم در حفر خندق دو شادوش دیگران به تلاش مشغول بود (مجلسی، ۱۴۰۴، ۲۷۰).

## ۲-۱۱- ادب و تواضع

ادب در برخورد، هم محبوبیت آور است هم نشانه شخصیت انسان هم نشان حرمت نهادن به انسان‌های دیگر پیامبر خدا ادب شده الهی بود می فرمود (ادب‌ی ربی فاحسن تأدیبی) هم در رفتارش با مردم ادب را رعایت می کرد

ادب جلوه‌های مختلف دارد که در نگاه کردن، سخن، جواب، نشستن، غذا خوردن و ... خود را نشان می دهد. پیامبر خدا (ص) افراد را با بهترین لقب‌ها صدا می کرد و از نام بد نهادن بر اشخاص پرهیز می نمود. هرگز رسول خدا (ص) را ندیدند که پای خود را پیش همنشین خود دراز کند (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ۲۳۶). آن حضرت هرگز کلام کسی را قطع نمی کرد، بلکه گوش می داد تا سخنش به پایان برسد. نزد دیگران آروغ نمی زد، خنده‌اش تبسم بود و به حد قهقهه نمی رسید، هرگز زانوهای خود را پیش دیگران لخت نمی کرد (نجفی، ۱۳۹۲ ق، ۱۷). هنگام غذا خوردن سر سفره هم که می نشست زانوان و قدم‌های خویش را جمع می کرد و مثل نمازگزار در حالت تشهد می نشست، با حوصله به حرف‌های دیگران گوش می داد، وقتی هم سخن می گفت سخن خویش را با لبخند می آمیخت (طباطبائی، ۱۳۷۷، ۴۸).

از نشانه‌های دیگر ادب نبوی، آراستگی هنگام حضور در جمع مسلمانان بود. وقتی می خواست به مسجد برود یا در جمعی حاضر شود نگاه در آینه می کرد، سر و صورت خود را شانه می زد و مرتب می کرد و خود را هم برای خانواده و هم برای اصحاب می آراست و می فرمود: خداوند دوست دارد که بنده‌اش وقتی نزد برادرانش می رود، خود را برای آنان آماده و آراسته سازد، عطر زدن و خوشبویی آن پیامبر نیز جلوه ای از ادب رفتاری حضرت در اجتماع بود. (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ۲۴۹).

بر اساس آنچه از سیره اخلاقی حضرت بیان شد، می توان سرمشتقی برای خود یافت و درس‌های ماندگار را به کار بست، به واردین به خانه و مراجعین به محل کارمان به عنوان تکریم به ارباب رجوع احترام بگذاریم، با مردم همدردی و همراهی کنیم، برخوردی متواضعانه و از روی ادب داشته باشیم، ساده زیستی و زندگی مردمی را فراموش نکنیم، در راه هدف خویش صبور و بردبار باشیم، به جای کینه ورزی و خصومت بگذریم و نادیده بگیریم از دوستان و خویشان پرس و جو ننمائیم در کارگشایی از مشکلات مردم پیشقدم باشیم، منادی وحدت و الفت باشیم نه بذرافشان تفرقه و جدایی و جوانان را مورد احترام قرار دهیم.

## نتیجه گیری

در سیره عملی پیامبر (ص) صدها نمونه از اخلاق نیک و زیبا وجود دارد که هر کدام نشانگر قطره ای از اقیانوس عظیم حسن خلق آن حضرت است. همانگونه که خداوند نیز با تعبیر خلق عظیم در قرآن بدان اشاره فرموده است.

در بررسی اخلاقیات پیامبر اعظم (ص) در می یابیم که آن حضرت با تمام عظمتی که داشتند مهمان خود را با گذاشتن پشتی، نشاندن در جای خود، بدرقه و پذیرایی گرمی می داشتند، هیچگاه از کلمات زشت و تحقیر آمیز استفاده نمی کردند و با سخنان مؤدبانه و مناسب پاسخگوی مردم بودند. وصله زدن به لباس و کفش با دستان مبارکشان، نشستن روی زمین، غذا خوردن با بردگان، سلام بر کودکان و سوار شدن بر کمترین مرکبها و همه و همه اینها بیانگر تواضع و فروتنی آن شخصیت عظیم تاریخی است که هیچگاه نشد مانند رهبران و فرمانروایان طاغوتی برای خود نشان و مقام ظاهری و تشریفات زائد قائل شوند. وقتی برای شاد کردن دل مؤمن بدون اینکه دروغی گفته باشند، با کلمات مناسب آنها را می خندانید و خوشحال می کردند. زندگی ایشان به تمام مدعیان رهبری، ثابت کرد یک رهبر الهی با استفاده از کمترین امکانات مادی و بدون تجملات و تشریفات می تواند بهترین و با نفوذترین رهبری و هدایت را داشته باشد. و باید این موضوع را از خانواده خود نیز بخواهد تا همه بدانند منظور از مسئولیتها و مدیریت در اسلام برخورداری خود و اطرافیان از نعمت های دنیوی نیست بلکه هدف خدمت به مردم است. ایشان دائماً در صدد کمک به قشر محروم جامعه و کم کردن فاصله طبقاتی بودند. صبر و استقامت و تحمل مشکلات و سختیها توسط شخص پیامبر (ص) وظیفه بسیار سنگینی بود که در عرصه های مختلف تبلیغی، جنگی، مدیریتی، الگوی زیبایی از پایداری را به نمایش گذاشت. مدارا و آسان گرفتن دین، از ابزارهای مهم ایشان برای پیشبرد اهداف الهی شان بود تا مردم در اثر سختگیری بیجا از دین خدا بیزار و متنفر نشوند. رعایت عدالت حتی در نگاه کردن به حاضرین در مجلس در حال سخن گفتن گرفتن حق مظلوم و گسترش عدالت اجتماعی و اقتصادی نمونه های عملی و بارزی بود که حضرت رسول (ص) در جهت اقامه عدل در طول رهبری الهی خویش به یادگار گذاشته اند.

## منابع

## قرآن کریم

- ابن ابی الحدید (۱۳۸۷ ق). شرح نهج البلاغه، بیروت، دراحیاء التراث العربی.
- شیخ طوسی (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیرقرآن، قم، جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۷۷). خلاصه تعالیم اسلام، تهران، صدرا.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ ق). بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
- نجفی، محمدحسن (۱۳۹۲ ق). جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران، دارالکتاب الاسلامیه.
- النووی، ابی زکریا (۱۴۰۷ ق). صحیح مسلم بشرح النووی، بیروت، دارالکتب العربی.





پښتو ښکلا څانګه علوم انساني او مطالعات فرهنگي  
پرتال جامع علوم انساني